

حال جامعه ایران خوب نیست، این را می توان از اعتراضات روزهای اخیر دریافت. حرکتی که از تجمع بازاریان در تهران آغاز شد و به سرعت به سایر شهرها کشیده شد و در نهایت به دلیل فقدان سازوکار قانونی برای بیان اعتراض و در غیاب نهادهای صنفی و تشکل های مدنی، طبق انتظاها به آشوب و اغتشاش تبدیل شد. واقعیت تلخی که در پس اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، بار دیگر خود را به ما باز نمایاند و فقدان سازوکارهای قانونی برای بیان اعتراض شهروندی را نشان داد. متأسفانه یکی از چالش‌ها در سپهر سیاسی ایران، تفسیرپذیری قانون اساسی است. اینکه بسیاری از مفاهیم و گزاره‌ها در قانونی اساسی آمده، اما هیچ سازوکار قانونی برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است؛ مثلاً رئیس‌جمهور، پالسدار قانون اساسی است، اما فاقد ضمانت اجرایی برای انجام این رسالت قانونی است و تفسیر دایره اختیاراتش به اخطار کلامی، محدود شده است. هرچند بالاترین مقام اجرایی کشور است، اما در برابر نهادهای موازی، قدرتی ندارد و تا نقش تدارک‌چی، تقلیل پیدا کرده است. رئیس‌جمهوری که حتی قدرت برداشتن فیلترینگ را هم ندارد!

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی

تمدید مهلت ثبت‌نام کالا برگ

در طرح جدید کالا برگ که با هدف «تثبیت قدرت خرید ایرانیان» و پوشش همه دهک‌های درآمدی در حال اجراست، اعتبار ماهانه یک میلیون تومانی (در چهار ماه دی، بهمن، اسفند امسال و فروردین سال آینده) به صورت یکجا و اعتباری برای هر نفر به حساب سرپرست خانوار واریز می‌شود.

۲

در همین حال، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت کار از تمدید زمان ثبت درخواست افرادی...

ردیف‌های غیر ضروری از بودجه سال آینده حذف می‌شوند؟

۳ گام اصلاحات ساختاری بودجه

فرصت امروز: بودجه ۱۴۰۵ در شرایطی از پاستور به بهارستان رسید و در نهایت به تصویب نمایندگان مجلس رسید که اقتصاد ایران با بحران‌های متعدد و ناترازی‌های مختلف، از جمله کسری ساختاری بودجه، وابستگی بالای درآمدی به نفت و رشد کنترل‌نشده‌ی هزینه‌های جاری مواجه است. کسری بودجه تحقق یافته دولت طبق گزارش دیوان محاسبات در سال ۱۴۰۱، معادل ۴۲۷ هزار میلیارد تومان بوده که این رقم در سال ۱۴۰۲ با افزایش ۳۶ درصدی به ۵۹۳ هزار میلیارد تومان رسیده و برآوردها از کسری ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی بودجه امسال حکایت دارد. در این شرایط، دولت با پیش‌بینی کاهش درآمدهای نفتی حدود ۷ دلار نسبت به سال جاری و احتمال افزایش محدودیت‌های تحریمی، ناگزیر از اعمال اصلاحات ساختاری چندلایه در بودجه ۱۴۰۵ است. تحلیل داده‌های بودجه‌ای، نشان می‌دهد که بدون تغییرات بنیادین در ساختار درآمدها و هزینه‌ها، دولت با خطر تشدید فشارهای...

۳

استراتژی‌های کاهش کسری در بودجه سال آینده بررسی شد

رمزگشایی از بودجه ۱۴۰۵

۲



مدیریت و کسب‌وکار

طراحی فرآیند مصاحبه و استخدام: کلید یافتن بهترین استعدادها

هر کسب و کاری را می‌توان به یک سازه یا ساختمان تشبیه کرد. استحکام و پایداری این سازه به کیفیت مصالح به کار رفته در آن بستگی دارد. در دنیای تجارت نیروی انسانی نقش همان مصالح حیاتی را ایفا می‌کند. کارمندان توانمند، خلاق و متعهد ستون‌های اصلی موفقیت هر سازمانی هستند. آنها موتور محرک نوآوری، بهره‌وری و رشد پایدار محسوب می‌شوند. بدون حضور افراد مناسب در جایگاه‌های درست، حتی بهترین استراتژی‌ها و ایده‌ها نیز به سرانجام مطلوب نخواهند رسید. اهمیت این موضوع آنچنان بنیادین است که بسیاری از رهبران برجسته کسب و کار یافتن و حفظ استعدادهای برتر را مهمترین وظیفه خود می‌دانند. مثلاً به گوگل نگاه کنید؛ این غول دنیای دیجیتال بدون کارمندان درجه یکش هیچ وقت به چنین سودآوری نمی‌رسید. در بازار رقابتی امروز، دسترسی به نیروی کار ماهر یک مزیت تعیین‌کننده است. شرکت‌ها دیگر تنها بر سر مشتریان...

۸



چرا بازار سرمایه در ۳ ماهه اخیر جان گرفت؟

ورود بورس به کانال ۴.۵

به سوی اعتراض قانونی

تصویب چنین قانونی در مجلس، بسیار مهمتر و کارآمدتر از حذف چهار صفر از پول ملی است که در شرایط تورمی فعلی، اقدامی بی‌فایده و هزینه‌زاست و بسیاری از اقتصاددانان، انجام آن را به جراحی زیبایی بینی برای بیماری سرطانی، تشبیه کرده‌اند (بازی با صفرهای اسکناس به جای اصلاحات ساختاری و مهار تورم). فراتر از خاستگاه معیشتی حوادث دی‌ماه و اعتراض به گرانی‌ها، پرسش اصلی از نظام حکمرانی، پرسش از آینده است. ما قار بود در سال ۱۴۰۴، کشور اول منطقه باشیم. با گذشت دو دهه از تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ساله، اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴ نتنها به رتبه اول خاورمیانه نرسیده است، بلکه در بسیاری از حوزه‌های کلیدی از

اعتماد عمومی بدون نظارت عمومی، دوام نمی‌آورد

کسب‌وکار، چیزی نیست، مگر «چگونگی اداره کارآمد شرکت». در مقابل، حکمرانی مالی، سطحی فراتر از حکمرانی کسب‌وکار است؛ نه فقط یک شرکت، بلکه کل نظام مالی را شامل می‌شود. این مفهوم به این می‌پردازد که چگونه دولت، نهادهای ناظر و بازارها ساختارهایی ملی شامل مدیریت روابط بین‌الملل، امنیت مرزها، سیاست‌های دفاعی و تعامل اقتصادی با جهان می‌شود. در ایران هر زمان که به دنبال حل مسئله، رفع هر نوع ناترازی یا مدیریت بحران می‌رویم، تقریباً بی‌درنگ بحث حکمرانی پیش کشیده می‌شود. گویی هر موضوعی را که می‌گشاییم؛ از اقتصاد و انرژی گرفته تا سلامت، آموزش، محیط زیست و حتی سیاستگذاری شهری؛ در همان قدم‌های نخست به این جمع‌بندی می‌رسیم که بخشی از ریشه مشکل در شیوه حکمرانی، نهفته است و بخشی از راه حل نیز ناگزیر از مسیر بهبود همان حکمرانی می‌گذرد. این تکرار صرف کلیشه نیست؛ بلکه نشان می‌دهد ساختار اداره کشور در لایه‌های مختلف آنچنان در تار و پود مسائل رسوخ کرده که تقریباً هیچ حوزه‌ای بدون توجه به کیفیت حکمرانی، قابل فهم یا اصلاح شدنی نیست.

حکمرانی کسب‌وکار و حکمرانی مالی

حکمرانی کسب‌وکار، همان اصول شرکت‌داری است (حاکمیت شرکتی یا اصول راهبری شرکت‌ها). این عنوان با «حکمرانی مالی» دو مفهوم به هم پیوسته اند، اما البته یکسان نیستند. حکمرانی کسب‌وکار، مجموعه‌ای از قواعد، نهادها، فرآیندها و روابط است که تعیین می‌کند هر بنگاه چگونه هدایت، کنترل و ارزیابی می‌شود: چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد؟ منافع ذی‌نفعان چگونه متوازن می‌شود؟ ریسک‌ها چگونه مدیریت می‌شود؟ و شفافیت و پاسخگویی چگونه تضمین می‌شود؟

تمرکز اصلی در اینجا بر ساختارهای داخلی بنگاه (هیأت مدیره، مدیرعامل، سهامداران، کمیته‌ها، کنترل‌های داخلی، اخلاق کسب‌وکار، حاکمیت شرکتی) است. برای نمونه، در مورد نحوه تصمیم‌گیری هیأت مدیره، سیاست‌های جبران خدمات، مدیریت تضاد منافع، گزارشگری مالی و کنترل داخلی و فرهنگ سازمانی و انطباق تصمیم‌گیری می‌شود. به زبان ساده، حکمرانی

کشورهای حاشیه خلیج فارس، عقب مانده است. در این بیشتر از ۱۰ روزی که اعتراضات در ایران به درازا کشیده، درست در همین روزهای گرفته‌ایری و شب‌های هول و خطر، جوانان عربستان شاهد میزانی از غول‌های فوتبال اسپانیا و برگزاری دیدار بارسلونا-رئال مادرید در کشور و شهر خود بودند (توافق فدراسیون فوتبال عربستان و لالیگا برای برگزاری دیدارهای سوپرچم در ریاض تا سال ۲۰۲۹)، در مقابل، تیم‌های استقلال و پرسپولیس، سرگردان و دریده‌ریک استادیوم آبرومند در پایتخت هستند و در غیاب ورزشگاه آزادی که تا پایان سال ۱۴۰۵ هم آماده نمی‌شود، شهرآورد تهران را به اک تبعید می‌شود. بروز اعتراضات در دی‌ماه ۱۴۰۴ و تلاقی آن

عمومی، منظورمان درآمدهای مالیاتی، عواید نفت و گاز و منابع طبیعی، درآمدهای گمرکی، منابع صندوق‌های بازنشستگی، دارایی‌های دولت، بودجه دستگاه‌ها و حتی بدهی‌هایی بود که دولت از محل عواید آینده وام می‌گرفت. ویژگی حیاتی وجوه عمومی، آن بود و هست که این پول «مال دولت» نیست، امانت مردم است. بنابراین باید نظام حکمرانی‌ای وجود داشته باشد که دولت را مراقبت، محدود و پاسخگو نگاه دارد. در ادبیات جدید حکمرانی مالی، چند دهه است که دامنه «وجوه عمومی» به حوزه‌های بالا محدود نمی‌شود و گسترش یافته است؛ یعنی هر جایی که منافع عمومی وجود دارد، باید منطق وجوه عمومی اعمال شود، ولو اینکه پول، پول دولت نباشد. این نگاه دقیق همان چیزی است که در اروپا و آمریکا و دیگر مناطق پشت مقررات‌گذاری بانک‌ها، بورس، بیمه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی قرار دارد. در گذشته، وجوه عمومی، منابعی را شامل می‌شد که متعلق به مردم بود و دولت، تنها امانت‌دار آنها بود؛ شامل درآمدها، دارایی‌ها، بدهی‌ها و هر گونه وجوهی که برای منافع عمومی مدیریت می‌شود. این موضوع مهم بود و هست؛ زیرا کیفیت مدیریت وجوه عمومی، مهمترین عامل در ثبات مالی، مهار تورم، کارآمدی سیاستگذاری و حفظ اعتماد عمومی است اما وجوه عمومی فقط پول دولت نیست. در حکمرانی مالی مدرن، تعریف کلاسیک وجوه عمومی (مالیات + بودجه دولت) ناکافی است؛ زیرا بخش بزرگی از پولی که در اقتصاد جابه‌جا می‌شود متعلق به مردم است و نه دولت، اما ریسک آن عمومی است و نه خصوصی. نمونه‌های زیر، موضوع را شرح و بسط می‌دهند:

• سپرده‌های بانکی: پول مردم است، اما اگر بانک ورشکست شود، جامعه باید خسارت را بدهد.
• سهام عام: شرکت خصوصی است، اما مردم عام در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند و شکست آنها آثار عمومی دارد.
• بیمه نامه‌های عموم مردم: پولی که مردم می‌دهند، ذخایر بیمه‌ای تشکیل می‌دهد و ریسک شکست شرکت بیمه، عمومی است.
• صندوق‌های بازنشستگی: دارایی خصوصی افراد

با سال سند چشم‌انداز، بیانگر زیست مضطرب انسان ایرانی است. حوادث روزهای اخیر، آزمون دوباره‌ای برای نظام حکمرانی است. اینکه فضای اتحاد و یکدلی پس از جنگ ۱۲ روزه به ناگهان جای خود را به آشفته بازار اعتراضات داد، یک زنگ خطر جدی و البته مایه تأسف برای نظام حکمرانی است. مردم در جنگ ۱۲ روزه با وحدت و انسجام و وطن‌دوستی، تکلیف خود را ادا کردند و حالا نوبت حکومت است که سهم خود را بپردازد. «با مدان مقصد عالی نتوانیم رسید، هم مگر پیش نهاد لطف شما گامی چند». کاری با مخاطب حافظ در این شعر ندارم، اما بدون شک، مقصد عالی ما ایرانیان در این پیچ تاریخی در گرو همین گام چند است.

است، اما ورشکستگی آن، بحران ملی ایجاد می‌کند. بنابراین به لحاظ حکمرانی مالی، وجوه عمومی، هر پولی است که ریسک شکست آن از مرز شرکت، فراتر می‌رود و به جامعه منتقل می‌شود. هر منبع مالی که منافع عمومی، اعتماد عمومی یا ریسک عمومی را درگیر می‌کند؛ اعم از بودجه دولت، سپرده‌های بانکی، سهام عام، منابع بیمه‌ای و صندوق‌های بازنشستگی؛ جزو وجوه عمومی است.

همه وجوه عمومی، تحت چتر حاکمیت مالی

چرا همه وجوه عمومی، تحت چتر «حاکمیت مالی» قرار می‌گیرند؟ پاسخ ساده، این است که در همه این حوزه‌ها، «اعتماد عمومی» درگیر است. بازار سرمایه بدون اعتماد از کار میفتد؛ بیمه زمانی فرو می‌ریزد که مردم به توان پرداخت و صداقت شرکت‌ها اطمینان نداشته باشند و نظام سپرده‌پذیری هرگاه اعتماد را از دست بدهد، به سرعت با فرار سرمایه روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل است که هیچ یک از این سازوکارها، تنها با مقررات فنی اداره نمی‌شوند و بقای آنها به سطحی از اعتماد جمعی وابسته است که باید پیوسته مراقبت و بازتولید شود. اعتماد عمومی بدون نظارت عمومی، دوام نمی‌آورد. هرچا پول مردم در میان است، جامعه انتظار دارد سازوکارهای شفاف، قابل پرسش و قابل پیگیری وجود داشته باشد. بنابراین نظارت عمومی، نه یک تجمل اداری، بلکه شرط لازم برای حفظ اعتماد و جلوگیری از فروپاشی سازوکارهایی است که بر پایه اعتماد بنا شده‌اند.

در دنیای واقعی غیرمالی نیز همین منطق برقرار است. تا زمانی که در خانه خود از جمعی کوچک پذیرایی می‌کنیم، حاکمیت دخالتی ندارد اما به محض آنکه بخواهیم رستورانی تأسیس کنیم و به عامه مردم خدمت دهیم، پای وزارت بهداشت و مجموعه‌ای از استانداردها، نظارت‌ها و مجوزها به میان می‌آید. دلیلش روشن است: منفعت عمومی درگیر می‌شود و کیفیت، سلامت و حقوق مصرف‌کننده، نیازمند چارچوبی نظارتی است. در بخش مالی نیز همین قاعده تکرار می‌شود. اگر چند نفر بخواهند شرکتی سهامی خاص تشکیل دهند، حاکمیت دخالت مستقیم محدودی دارد...

ادامه در صفحه ۲

خبرنامه

هوش مصنوعی چگونه شیوه خرید را تغییر داد؟

خرید با چت‌بات‌ها

آیا شما ترجیح می‌دهید خریدهای‌تان را یک روبات انجام دهد یا مایلید خودتان به فروشگاه بروید، وقت بگذارید و خریدتان را از نزدیک انجام دهید؟ این پرسشی است که هفته نامه «اکنومیسٲ» از نوٲیک اینچ میلادی (۲۰۲۶)، مطرح کرده و نوشته است: «دوباره به آن زمان از سال رسیده ایم؛ زمانی که بسیاری از مردم باید برای خرید هدیه های کریسمس، ساعت‌ها در فروشگاه‌ها راه بروند یا در روندی بی‌پایان در سایت‌های خرید آنلاین، بالا و پایین کنند. بعضی‌ها از این گشت و گذار لذت می‌برند، اما خرید هدیه برای خیلی‌ها، کاری خسته کننده و استرس‌زا است. حالا گروه رو به رشدی از خریداران تصمیم گرفته اند این کار را به هوش مصنوعی بسپارند. چت‌بات‌ها کم کم نقش «خریدار شخصی» را برای همه بازی می‌کنند. آنها به خواسته های کاربر گوش می‌دهند، چند گزینه مناسب پیشنهاد می‌دهند، قیمت‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و حتی در بعضی موارد، خودشان خرید را انجام می‌دهند. طبق نتایج نظرسنجی شرکت «Shopify»، حدود دوسوم مصرف‌کنندگان در کشورهای ثروتمند و توسعه یافته و حتی پنج ششم جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله، قصد دارند در این فصل خرید از هوش مصنوعی کمک بگیرند.

تحقیقی از شرکت مشاوره ای مک‌کنزی، نشان می‌دهد که در آمریکا، دومین کاربرد رایج هوش مصنوعی‌های مولد مثل «چت جی‌پی‌تی» (ChatGPT) بعد از جست‌وجوی عمومی اطلاعات، مشاوره برای خرید است؛ حتی بیشتر از کمک به نوشتن. اهمیت این روند آنقدر بالاست که شرکت مک‌کنزی، پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۳۰ میلادی، بین ۳ تا ۵ تریلیون دلار از خریدهای جهانی از طریق «عامل‌های هوشمند» یا همان چت‌بات‌ها انجام شود. صنعت خرده فروشی در آستانه یک دگرگونی بزرگ دیگر قرار دارد.

به نوشته «اکنومیسٲ»، شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی امیدوار هستند فناوری آنها همانطور که تجارت الکترونیک در عصر اینترنت خرید را متحول کرد، حالا خرید را وارد مرحله ای تازه کند. گوگل هم که موتور جست‌وجویش سال‌ها نقطه شروع خرید آنلاین بوده، به شدت به «تجارت عامل محور» علاقه مند است. کاربران آمریکایی می‌توانند از ابزارهای هوش مصنوعی گوگل بخواهند با فروشگاه‌ها تماس بگیرند، موجودی کالا را بررسی کنند، قیمت‌ها را زیر نظر بگیرند و حتی وقتی قیمت مناسب شد، خرید را به جای آنها انجام دهند.

اما همه خرده فروشان از این تحول خوشحال نیستند. بسیاری از فروشگاه‌های آنلاین از این ایده که یک عامل هوش مصنوعی بین آنها و مشتریان قرار بگیرد، ناراضی هستند. آمازون، بزرگ‌ترین فروشگاه اینترنتی جهان که حدود یک دهم درآمدش از تبلیغات است، ترجیح می‌دهد مشتریان مستقیما وارد خودش شوند. به همین دلیل، دسترسی ربات‌های «OpenAI» به اطلاعات محصولاتش را مسدود کرده و از شرکت پریلکسیتی هم شکایت کرده است. آمازون مدعی است که ربات این شرکت با تظاهر به انسان بودن، در سایتش پرسه می‌زند؛ اتهامی که پریلکسیتی، آن را رد کرده است. در مقابل، برخی از شرکت‌ها، نگاه بازتری دارند. والمارت، رقیب قدیمی آمازون، در ماه اکتبر، اعلام کرد که به زودی امکان خرید مستقیم محصولاتش از طریق «چت جی‌پی‌تی» فراهم می‌شود. چنین همکاری‌هایی می‌تواند به خرده فروشان کمک کند به مشتریانی دسترسی پیدا کنند که در حالت عادی سراغ سایت آنها نمی‌رفتند.

یکی از دلایل این ترجیح، دشواری هماهنگ کردن ابزارهای هوش مصنوعی اضافی با داده‌های دقیق فروشگاه‌هاست. «اندی جَسی» مدیرعامل آمازون، اخیر در یک جلسه مالی به شدت از عامل‌های خرید مستقل، انتقاد کرد و گفت که «هیچ شخصی‌سازی‌ای وجود ندارد، سابقه خرید مشخص نیست، زمان تحویل اغلب اشتباه است و قیمت‌ها هم دقیق نیستند.» آمازون دستیار خودش به نام «Rufus» را دارد که می‌گوید امسال ۲۵۰ میلیون مشتری از آن استفاده کرده اند. با این حال، چت‌بات‌ها در همه زمینه ها به صورت یکسان، عمل نمی‌کنند. «جولی بورنستاین» بنیانگذار ابزار خرید مد دی‌دریم، می‌گوید: هوش مصنوعی برای بعضی کالاها بسیار مفید است، اما برای بعضی دیگر نه. به عنوان مثال، در کالاهایی با مشخصات فنی واضح و قابل مقایسه مثل جاروبرقی، چت‌بات‌ها عالی عمل می‌کنند. در محصولاتی مثل لوازم آرایشی که ترکیبی از مشخصات و سلیقه شخصی هستند، عملکردشان متوسط است اما در حوزه‌هایی مثل مد و پوشاک که کاملاً سلیقه ای است، اغلب دچار مشکل می‌شوند.

از منظر «اکنومیسٲ»، میزان استقبال مردم از خرید با هوش مصنوعی، به یک عامل مهم دیگر هم بستگی دارد: تبلیغات. اگر سازندگان چت‌بات‌ها برای کسب درآمد به تبلیغات روی بیاورند، ممکن است اعتماد کاربران کاهش پیدا کند. در همین حال، برندها به دنبال راه‌های تازه ای هستند تا چت‌بات‌ها محصولاتشان را بیشترین جذاب و فروشندگان خوش برخورد می‌توانند نقش مهمتری در شکل دادن به تصویر برند داشته باشند. در نظرسنجی «Shopify»، سه چهارم پاسخ دهندگان گفته اند که تعامل انسانی در هنگام خرید برای‌شان مهم است؛ عددی که نسبت به سال قبل افزایش یافته است. بسیاری از خریداران هنوز دوست دارند بعضی کالاها، به ویژه لباس و پوشاک را لمس کنند و ببینند. در این فصل از سال، قدم زدن در خیابان‌های شلوغ و نورانی شهر، هنوز بخشی از لذت خرید است؛ لذتی که حتی پیشرفته ترین هوش مصنوعی‌ها هم نمی‌توانند کاملاً جایگزین آن شوند.»

استراتژی‌های کاهش کسری در بودجه سال آینده بررسی شد

رمز گشایی از بودجه ۱۴۰۵

کاهش در شرایط تحریم‌ها و فروش نفت با تخفیف، فشار مضاعفی بر سمت درآمدها وارد می‌کند. در همین حال، رئیس سازمان برنامه و بودجه، اعلام کرده که در تدوین بودجه سال ۱۴۰۵، ردیف‌های بودجه‌ای بسیاری از شرکت‌هایی که فعالیت موثری ندارند یا بهره‌وری پایینی دارند، کنار گذاشته خواهد شد. این تصمیم شامل حذف یا ادغام نهادهایی می‌شود که کارکردهای مشابه دارند و موازیکاری ایجاد کرده اند، به ویژه سازمان‌هایی که وظیفه مشخصی در حل مشکلات مردم ندارند. دولت چهاردهم، تأکید کرده که مدیون هیچ ردیفی در بودجه نیست و تنها به وظایفی اعتبار خواهد داد که در سال جاری، گره از کار مردم باز کند. این رویکرد همراه با بازنگری در بودجه نهادها و برنامه‌های غیرضروری، منابع قابل توجهی برای تأمین معیشت طبقات آسیب‌پذیر و زیرساخت‌های تأمین انرژی و آب، آزاد خواهد کرد.

استراتژی کاهش کسری در بودجه ۱۴۰۵

بخشنامه بودجه سال ۱۴۰۵، که در آخرین روزهای آبان توسط رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد، بر سه محور اصلی کنترل کسری، تمرکز دارد که شامل توقف طرح‌های جدید و تمرکز بر اتمام پروژه‌های نیمه تمام، بازنگری و اولویت بندی مصارف هزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر و درج ارقام واقعی منابع و مصارف است. در حوزه اعتبارات عمرانی، تخصیص منابع در سال ۱۴۰۵، تنها در صورتی انجام می‌شود که دستگاه اجرایی، روش تأمین مالی پروژه را از طریق مشارکت عمومی-خصوصی، مولدسازی دارایی‌ها، منابع خارجی، واگذاری یا فکتورینگ، مشخص کرده باشد. دولت همچنین با هدف‌گذاری افزایش درآمدهای مالیاتی به ۷.۵ درصد تولید ناخالص داخلی معادل ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومان، تلاش می‌کند وابستگی به درآمدهای نفتی را کاهش دهد.

بررسی اعداد و ارقام، نشان می‌دهد که کسری بودجه در سال ۱۴۰۳ با مدیریت بهتر به ۳۳۵ هزار میلیارد تومان کاهش یافته بود، اما در سال ۱۴۰۴ به شدت افزایش یافت و به ۱۸۰۵ هزار میلیارد تومان رسید. درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۳ با رشد ۵۲ درصدی به ۱۲۲۹ هزار میلیارد تومان رسید و توانست ۱۰۰ درصد هدف‌گذاری بودجه را محقق کند. بودجه عمرانی نیز در سال ۱۴۰۳ با اختصاص ۴۰۰ هزار میلیارد تومان، تنها ۱۶ درصد از کل بودجه را تشکیل داد که کمترین سهم در چهار سال گذشته به شمار می‌رود.

عصر بودجه‌های شعاری تمام می‌شود؟

تحول پارادایمی در بودجه‌ریزی سال آینده، نشان دهنده حرکت از سیاست‌های انبساطی ناپایدار به سمت مدیریت بحران و پایداری مالی است. این تغییر رویکرد در شرایطی رخ می‌دهد که ناترازی ۶ میلیارد دلاری واردات بنزین و کاهش درآمدهای نفتی، فشار مضاعفی بر دولت وارد کرده است. شفاف‌سازی هزینه‌ها و اولویت بندی دقیق برای اختی سازی اثرات کاهش درآمدها و ناترازی انرژی، می‌تواند راهگشای کنترل تورم و جلوگیری از استقراض بی‌رویه باشد. موفقیت این استراتژی، منوط به اجرای قاطع حذف نهادهای غیربهره‌ور و مقاومت در برابر فشارهای سیاسی برای ایجاد ردیف‌های جدید است که تجربه نشان داده همواره به افزایش بار مالی دولت، منجر شده است.

تحلیل مقایسه‌ای ساختار بودجه				
شاخص بودجه کسری بودجه	سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۳	سال ۱۴۰۴
هزینه‌های جاری	۴۳۷ همت	۵۹۳ همت	۳۳۵ همت	۱۸۰۵ همت
بودجه عمرانی	۹۶۵ همت	۱۵۰۶ همت	۲۰۶۲ همت	۴۰۸۱ همت
بودجه عمومی دولت	۲۵۱ همت	۳۰۴ همت	۴۰۰ همت	۱۲۰۰ همت
درآمدهای مالیاتی	۱۳۷۲ همت	۱۹۹۱ همت	۲۴۶۲ همت	۶۴۰۸ همت
نسبت بودجه جاری به عمرانی	۵۳۱ همت	۸۱۱ همت	۱۲۲۹ همت	۱۸۲۰ همت
سهم مالیات از کل منابع	۷۹ درصد	۸۳ درصد	۸۴ درصد	۷۷ درصد
	۳۹ درصد	۴۱ درصد	۵۰ درصد	۲۸ درصد

شهروندان تا ۲۲ بهمن فرصت دارند

تمدید مهلت ثبت‌نام کالابرگ

از روز شنبه (۲۰ دی‌ماه)، می‌توانند در سامانه h.emayat.sfara.ir و همچنین اپلیکیشن شسیم که امکان دانلود آن از بازار میسر است، جهت ثبت‌نام اقدام کنند.

او در همین راستا از تمدید زمان ثبت‌نام جاماندگان دریافت کالابرگ، خبر داد و افزود: باتوجه به اینکه ابتدا از ۲۰ دی، فرصتی ۱۵ روزه به افرادی که تاکنون مشمول دریافت کالابرگ نبوده‌اند، داده شده بود، اکنون در تصمیمی جدید مقرر شده این افراد بتوانند تا ۲۲ بهمن‌ماه در سامانه ثبت‌نام کنند. هر زمان که این درخواست ثبت شود، آن را به سازمان هدفمندی ارجاع می‌دهیم. لازم به ذکر است که اعتبار این چهار نوبت برای این افراد شارژ می‌شود، لذا افراد از این بابت نگرانی نداشته باشند. «ندایش» در تشریح روند ثبت‌نام در سامانه شمیم، توضیح داد: ابتدا سرپرست خانوار با وارد کردن کد ملی خود و شماره موبایل منطبق روی سیم‌کارتش، کد پیمای دریافت می‌کند که پس از ورود به پروفایل شخصی، وضعیت مشمول بودن خانوار وی مشخص می‌شود. در صورتی که فردی مشمول نباشد، با ثبت درخواست بررسی، درخواست وی

در طرح جدید کالابرگ که با هدف «تثبیت قدرت خرید ایرانیان» و پوشش همه دهک‌های درآمدی در حال اجراست، اعتبار ماهانه یک میلیون تومانی (در چهار ماه دی، بهمن، اسفند امسال و فروردین سال آینده) به صورت یکجا و اعتباری برای هر نفر به حساب سرپرست خانوار واریز می‌شود. در همین حال، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت کار از تمدید زمان ثبت درخواست افرادی که تاکنون مشمول دریافت کالابرگ نمی‌شدند در سامانه شمیم (به نشانی h.emayat.sfara.ir) تا روز ۲۲ بهمن خبر داد و گفت: طبق تبصره ماده یک مصوبه هیأت وزیران، اعتبار کالابرگ چهار ماهه ۸۲ میلیون نفر شامل افرادی که تاکنون بارانه دریافت می‌کردند، کارمندان دولت، بازنستگان و همچنین کسانی که طی یک سال گذشته یارانه‌شان حذف شده بود، شارژ شده و اکنون می‌توانند اعتبار خود را در سامانه h.emayat.sfara.ir یا اپلیکیشن شسیم مشاهده کنند.

«یعقوب اندایش» درباره جمعیت ۶ میلیون نفری که تاکنون مشمول دریافت یارانه نبوده و جزو دهک ۱۰ درآمدی محسوب می‌شوند نیز گفت: این افراد نیز

اما زمانی که تصمیم می‌گیریم شرکت را به سه‌پاهای عام تبدیل کنیم و سرمایه‌های خرد مردم را جذب کنیم، موضوع کاملاً متفاوت می‌شود. از آن لحظه، منافع عمومی وارد ماجراست و حاکمیتی مالی باید حضور فعال داشته باشد؛ نظارت برقرار کند، شفافیت ایجاد کند و اطمینان بدهد که حقوق سرمایه‌گذاران حفظ می‌شود. به همین دلیل است که تنظیمگری (رگولاتوری) مداخله اضافی نیست، بلکه پاسخ طبیعی به موقعیتی است که منافع عمومی را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ چراکه شکست هر نهاد مالی، هزینه عمومی ایجاد می‌کند. مثال‌ها فراوان است: ورشکستگی بانک به مداخله دولت منجر می‌شود و ممکن است استفاده از پول مردم را ایجاد کند. ورشکستگی بیمه، دولت را ناچار می‌کند که خسارت‌ها را پوشش دهد. ورشکستگی صندوق بازنشستگی به بحران اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود. تقلب یا سقوط در بازار سرمایه به بی‌اعتمادی عمومی و بحران سیستمی می‌انجامد. این ریسک‌های خصوصی، دارای پیامدهای عمومی‌اند.

ابزارهای تأمین مالی عمومی، عملاً از جنس وجوه عمومی‌اند. وقتی شرکتی سه‌پای عام می‌شود و پول عامه مردم را می‌گیرد، دیگر فقط «شرکت خصوصی» نیست و وارد حوزه عمومی می‌شود؛ حق تنظیمگری و حق نظارت عمومی فعال می‌شود. در واقع، انتشار سهام عام به معنای ورود به قلمرو عمومی است. به علاوه، باید به خاطر سپرد که بازارهای مالی، زیرساخت‌های عمومی هستند، نه خصوصی. شبکه پرداخت، بورس، سپرده‌گذاری مرکزی، بیمه، سپرده و… همه زیرساخت‌های عمومی هستند. هر پولی که در این زیرساخت‌ها حرکت می‌کند، رد پای عمومی دارد. وجوه عمومی در حکمرانی مالی را می‌توان در سه لایه متمایز در نظر گرفت؛ لایه نخست، منابع مالی دولت است؛ مالیات، بودجه، درآمدهای نفت و سایر عواید حاکمیتی که در معنای کلاسیک، وجوه عمومی محسوب می‌شوند و مستقیماً به تأمین کالاها و خدمات عمومی پیوند دارند. لایه دوم، وجوهی است که از پول مردم شکل می‌گیرد اما به دلیل آثار سربایتی و ریسک سیستماتیک، ماهیتی شبه عمومی پیدا می‌کند؛ مانند سپرده‌های بانکی، سهام شرکت‌های عام، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و نظام بیمه. در این حوزه، هر اختلالی فقط به صاحبان سرمایه آسیب نمی‌زند، بلکه

ثبات مالی و اعتماد عمومی را برهم می‌زند. لایه سوم، وجوه زیرساختی است که بدون آنها، گردش اقتصاد ممکن نیست: ذخایر بانک مرکزی، نظام پرداخت و تسویه، دارایی‌ها و شاخصی‌های بازار سرمایه و سایر سازوکارهای پایه‌ای که ستون فقرات عملیات مالی کشور را تشکیل می‌دهند. هر سه لایه در کنار هم، نشان می‌دهند که چرا حکمرانی مالی، نیازمند نظارت دقیق، شفافیت و پاسخگویی مستمر است. توجه شود که حکمرانی مالی مدرن از اواخر قرن میلادی گذشته با لایه دوم وجوه عمومی، گسترش می‌یابد. هر خطای کوچک دولت در مدیریت وجوه عمومی، به سرعت تبدیل می‌شود به تورم، کاهش ارزش پول، بدهی سنگین، بحران بانکی، فساد ساختاری و از دست رفتن اعتماد عمومی. هیچ بازیگر دیگری در اقتصاد چنین اثری ندارد. از آنجا که دولت بزرگ‌ترین «سرمایه گذار» و «خرچ کننده» در اقتصاد است و سهم دولت از تولید ناخالص داخلی، بودجه عمومی، پروژه‌های عمرانی، یارانه‌ها، حقوق کارکنان و صندوق‌های بازنشستگی عظیم است؛ حکمرانی مالی بدون کنترل دولت عملاً معنایی ندارد. از این لایه‌های سه گانه، وجوه عمومی در تعریف سنتی هنوز اهمیت محوری دارد؛ چراکه بیشتر در معرض تضاد منافع و فساد سیستمی است. دقیقاً همینجاست که حکمرانی مالی، معنا پیدا می‌کند. بدون قواعد روشن، پروژه‌ها گزینشی توزیع می‌شوند، رانت و تبعیض ایجاد می‌شود، هزینه‌های عمومی بی‌انضباط می‌شوند و بودجه تبدیل به ابزار توزیع منابع سیاسی می‌شود. شاید هیچ عرصه‌ای به اندازه «بودجه عمومی» مستعد فساد نباشد. ملت ایران در این لحظات از تاریخ خود این موضوع را با پوست و گوشت خود احساس می‌کند. این پایداری مالی دولت است که پایداری کل نظام مالی را تعیین می‌کند. اگر دولت دچار کسری ساختاری شود یا بدهی‌هایش غیرقابل کنترل شود؛ بانک‌ها گرفتار می‌شوند، صندوق‌ها ورشکسته می‌شوند، دولت به بانک مرکزی پناه می‌برد و تورم می‌آفریند، بازار ارز بی‌ثبات می‌شود و اعتماد به بازار سرمایه سقوط می‌کند. عامه مردم در ایران امروز با این موضوعات کاملاً آشنا هستند. تمام «ریسک سیستمی» از وجوه عمومی در مفهوم سنتی آن آغاز می‌شود. حکمرانی مالی بدون حکمرانی وجوه عمومی وجود ندارد.

تحول حکمرانی مالی در عصر فناوری‌های نو
حکمرانی مالی در جهان امروز دیگر صرفاً مجموعه‌ای از قوانین، نهاده‌ها و نظارت‌های پسینی نیست، بلکه به طور فزاینده‌ای به فناوری، داده و زیرساخت‌های دیجیتال وابسته شده است. ساختارهای مالی در حال ظهور، از پرداخت‌های بلاذرنگ گرفته تا دارایی‌های دیجیتال و اکوسیستم‌های پلتفرمی، سرعت، مقیاس و پیچیدگی نظام مالی را چنان افزایش داده اند که روش‌های سنتی تنظیمگری و نظارت، پاسخگوی آن نیست. در چنین محیطی، حکمرانی مالی توان درک داده‌های انبوه، مدیریت ریسک‌های دیجیتال و تنظیم سازوکارهای نوین را داشته باشد تا بتواند پاسخگوی تغییر رفتار بازار در کسری از ثانیه شود. در این چارچوب جدید، نقش بانک‌های مرکزی و نهادهای ناظر، دگرگون شده و از نظارت پسینی به نظارت لحظه‌ای و پایش پیوسته، حرکت می‌کند. نظارت بلاذرنگ بر تراکنش‌ها، استفاده از الگوریتم‌های ریسک، داده‌کاوی، هوش مصنوعی و سامانه‌های هشدار زودهنگام، این امکان را فراهم کرده که خطای انسانی کاهش یابد و بحران‌ها پیش از گسترش شناسایی شوند. سامانه‌های گزارش‌دهی نیز از الگوی دوره‌ای به سمت پایش مستمر، حرکت می‌کنند و ماهیت مقررات‌گذاری از «ثبت و کنترل» به «کشف و پیشگیری» تغییر می‌یابد. در چنین سازوکاری، ثبات مالی دیگر محصول قانونگذاری نیست؛ محصول کیفیت داده، توان پردازش و مهارت تنظیمگر در تفسیر لحظه‌ای جریان ریسک است.
همزمان، مرزهای سنتی میان بانک، بازار سرمایه و فناوری در حال فروریزی است و همین امر، چالش‌های حکمرانی را چند برابر می‌کند. شرکت‌های فناوری به حوزه پرداخت، اعتبارسنجی و وام‌دهی وارد شده‌اند، کارگزاری‌ها و صندوق‌ها به سمت بانکداری دیجیتال، حرکت می‌کنند و بانک‌ها نقش‌های جدیدی مانند مدیریت داده و معماری اکوسیستم مالی را برعهده می‌گیرند. دارایی‌های جدید از توکنیزه شدن دارایی‌ها تا پول دیجیتال بانک مرکزی، ماهیت وجوه عمومی را دگرگون کرده‌اند و ریسک‌های تازه‌ای مانند ریسک تمرکز داده، ریسک سایبری و سرعت سرایت بحران را در کانون حکمرانی مالی قرار داده‌اند. در چنین جهانی، حکمرانی مالی بدون فهم فناوری و بدون ساخت زیرساخت‌های دیجیتال مطمئن، دیگر ممکن نیست.

اخبار

کدام بخش‌ها بیشترین وام بانکی را گرفتند؟

صنعت در رتبه سوم

مرکز آمار ایران، میزان تسهیلات پرداختی بانک‌ها تا پایان آبان ۱۴۰۴ در بخش‌های مختلف را اعلام کرد. براساس داده‌های مرکز آمار ایران، بانک‌ها و موسسات اعتباری به طور کلی، تا پایان هشت ماهه امسال مبلغی بیش از ۶۲۹۸۴٫۷ هزار میلیارد ریال را به عنوان تسهیلات پرداخت کرده‌اند. به این ترتیب، بخش‌های اقتصادی با دریافت مبلغی بیش از ۴۷۴۶۸٫۲ هزار میلیارد ریال، بیشترین تسهیلات دریافتی داشته‌اند. بخش بازرگانی، خدمات و منفرقه نیز با مبلغ ۲۳۳۳۸٫۷ هزار میلیارد ریال در رتبه دوم از نظر دریافت تسهیلات قرار دارند. صنعت و معدن نیز تا پایان هشت ماهه ابتدای سال، مبلغ حدودی ۱۹۹۷۹٫۱ هزار میلیارد ریال را دریافت کرده‌اند تا از این نظر در رتبه سوم باشند. مصرف کننده نهایی (خانوارها) نیز با دریافت مبلغی بالغ بر ۱۵۵۱۶٫۵ هزار میلیارد ریال، در رتبه چهارم هستند. کمترین حجم تسهیلات دریافتی نیز به بخش ساخت و ساز اختصاص دارد، فعالان این بخش مبلغی بالغ بر ۱۶۹۵۸ هزار میلیارد ریال دریافت کرده‌اند. بخش کشاورزی نیز تا پایان هشت ماهه سال ۲۴۵۴۶ هزار میلیارد ریال تسهیلات به نام خود ثبت کرده است.

سه موتور جست‌وجوگر ایرانی را بشناسیم

در شرایطی که دسترسی به اینترنت و خدمات آن به دلیل شرایط امنیتی پیش آمده برای هموطنان میسر نیست، استفاده از برنامه ها و سکوهای ایرانی می‌تواند بخشی از نیاز کاربران را تا زمان بازگشت ارتباطات به شرایط عادی هموار کند. موتورهای جست‌وجوگر، یکی از خدماتی است که در بستر اینترنت این امکان را به کاربران می‌دهد که به راحتی اطلاعات مورد نیاز خود را از لایه‌ای صدها هزار صفحه پیدا کنند و یا اگر آدرس اینترنتی سایدی را نمی‌دانند با یک جست و جوی ساده به آن دسترسی پیدا کنند. نه تنها در ایران بلکه در اقصی نقاط جهان چند موتور جست و جوگر پرکاربرد وجود دارد که محل رجوع اغلب کاربران اینترنت است؛ موتور جست‌وجوگر گوگل مشهورترین آن است که همواره کاربران ایرانی هم از آن بهره می‌برند. با قطع اینترنت از شامگاه ۱۸ دی که پس از فعال شدن گروهک‌های تروریستی در کشور و انحراف و به آشوب کشیدن اعتراضات مردمی رخ داد و کشور را در شرایط خاص امنیتی قرار داد، دسترسی به اینترنت و ارتباطات برای همه کاربران در کشور قطع شد و به جز برخی سایت‌های داخلی و سکوهای ارائه خدمات در بستر شبکه ملی اطلاعات دسترسی به سایت ها و سکوهای خارجی امکان پذیر نیست هرچند متولیان امر در تلاشند تا به محض عادی شدن شرایط و اعلام آن از سوی مراجع ذی صلاح، دوباره اینترنت و خدمات ارتباطی را برای این مشترکان فعال کنند. بر این اساس و در شرایطی که موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی در دسترس نیستند، می‌توان برای رفع نیازهای خود از موتورهای جست‌وجوگر ایرانی بهره برد. به تازگی «حسین دلیریان»، سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی از سه جویشگر «ذره بین»، «شادابین» و «گردو» به عنوان موتورهای جست‌وجوگر در دسترس کاربران، یاد کرد و گفت: دانش بنیان ما زیرساخت‌های خوب و باکیفیتی را ارائه کرد که در الان مشغول ارائه خدمات هستند. او از موتور جست‌وجوی «ذره بین» به عنوان یک موتور جست‌وجوی بومی یاد کرد که کیفیت قابل قبولی دارد و در همین چند روز هم زیرساخت‌های بیشتری فراهم شده تا بتواند نیازهای مردم را پوشش دهد. سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی، این را هم گفت که در سکوی اینترنتی شاد جست‌وجوگر مناسب کودکان و نوجوان با نام «شادابین» فعال است تا این قشر هم بتوانند بخشی از نیازهای خود برای کاهش در اینترنت را برطرف کنند. به گفته «دلیریان»، جست‌وجوگر «گردو» از دیگر جست‌وجوگرهای داخلی است که می‌تواند تا حدودی در این زمینه برطرف کننده نیازها باشد. البته نباید فراموش کرد که جست‌وجوگرهای ایرانی هرچند ظرفیت مناسبی برای رفع نیاز کاربران هستند اما توسعه فعالیت‌های آنان و ارائه خدمات بهتر و کیفی تر نیازمند برنامه ریزی و توسعه است و به نظر می‌رسد اگر حمایت‌های لازم از آنها صورت گیرد، بتوانند همچون برخی پیام رسان‌های داخلی از کیفیت مناسب برخوردار باشند هرچند این حمایت و توسعه، ناقل اصل دسترسی کاربران ایرانی به فضای اینترنت بین الملل و قائل شدن حق انتخاب برای او نیست.

آغاز پیش‌فروش بلیت قطارهای مسافری بهمن‌ماه

پیش فروش بلیت قطارهای مسافری اول تا ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ از روز گذشته (سه‌شنبه ۲۲ دی‌ماه) آغاز شد. پیش فروش بلیت در همه محورها (مسیرهای رفت تا تاریخ ۱۰ بهمن و مسیرهای برگشت تا ۱۱ بهمن)، از ساعت ۱۲ تا روز سه‌شنبه ۲۲ دی‌ماه) از طریق سکوهای مجاز فروش اینترنتی بلیت آغاز شده است. پیش‌فروش قطارهای بلیت‌های این باره زمانی نیز از ساعت ۱۲ تا ۱۴ سه‌شنبه از طریق مراکز مجاز فروش حضوری انجام می‌شود. از ساعت ۱۴ به بعد نیز به صورت همزمان پیش فروش ادامه خواهد داشت. هموطنان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به صورت شبانه‌روزی با سامانه اطلاع‌رسانی راه‌آهن به شماره ۰۲۱۵۱۴۹ تماس بگیرند و یا به پایگاه اینترنتی rail.ir مراجعه کنند.

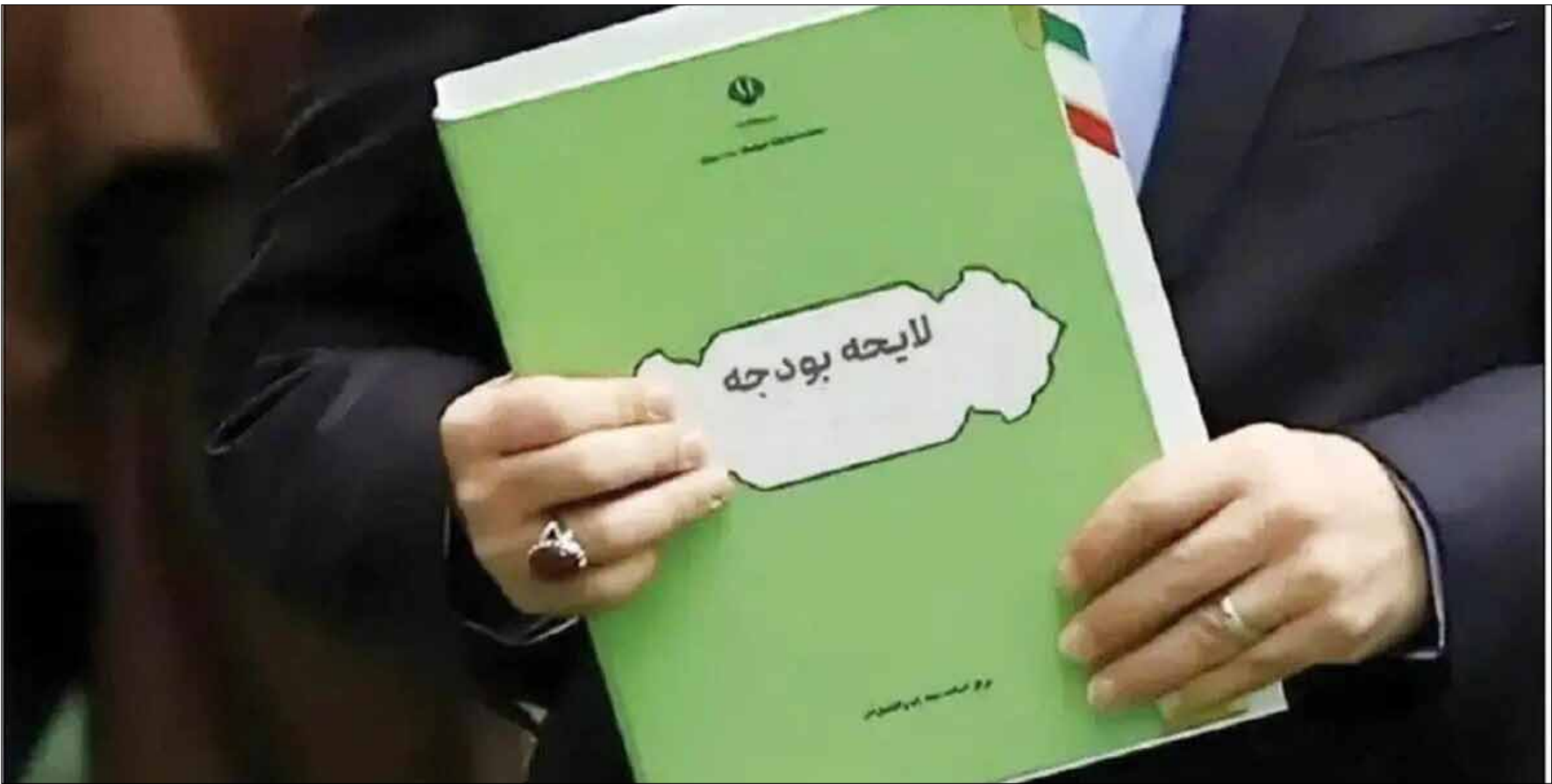
یک فعال اقتصادی بخش خصوصی خواستار شد

مشوق‌های دولتی برای بنگاه‌های تولیدی

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران، خواستار مشوق‌های دولتی برای بنگاه‌های تولیدی در شرایط فعلی شد و گفت در شرایط رکودی فعلی، دولت باید مشوق‌هایی را در حوزه مالیاتی و بیمه‌ای برای بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی در نظر بگیرد تا ابتدا امکان کسب درآمد و بعد مالیات‌ستانی فراهم شود. «حمیدرضا صالحی» درباره ضرورت حمایت دولت از بنگاه‌ها در شرایط رکودی فعلی به «ایسنا» توضیح داد: روشن است که در این شرایط باید بنگاه‌ها تشویق شوند و سیاستگذار باید تصمیماتی بگیرد که در جهت روان سازی و تسهیلگری وضعیت باشند. از این جهت باید حوزه‌های مالیاتی و بیمه تصمیماتی در جهت منافع بنگاه‌ها گرفته شود؛ چراکه بار درآمد کشور روی دوش همین بنگاه‌ها از طریق مالیات است. به هر حال، درآمد نفتی کشور و فروش دارایی‌های دولت در این مدت پایین آمده و تورم هم بالا است. تنها امید کسب درآمد کشور از محل تولید و بنگاه های بخش خصوصی است. بنابراین باید کاری انجام شود تا بیمه‌ها در تخفیف در نظر گرفته شده و با چند ماه عقب انداخته شود تا بنگاه‌ها هم بتوانند مالیات‌های شان را به تدریج پرداخت کنند. به گفته «صالحی»، اگر واقعا قرار است درآمد کشور از مسیر مالیات‌ها بالا برود باید اول روان‌سازی انجام شود و شرکت‌ها بتواند درآمد ایجاد کنند و روی پای خود بایستند تا یک‌یک اقتصاد بزرگ شود و در نتیجه بتواند سهم خود را از مالیات پرداخت کنند. اگر این موارد اتفاق نیفتد درآمد هم بالا نمی‌رود. وی با بیان اینکه دولت به دلیل مالیات و بیمه شریک همه بنگاه‌ها است، گفت: بنابراین باید اول شرایط کلی بنگاه‌ها را مطلوب کرد تا درآمد ایجاد کنند تا بعد دولت بتواند سهم خود را به عنوان مالیات بدست آورد. اگر سیاست تنبیهی روی مالیات باشد بنگاه‌ها نمی‌توانند درآمذایی کنند، اما دولت این موضوع را به عکس می‌بیند و فشار بیشتری از لحاظ مالیاتی می‌آورد. در حال حاضر وقتی کارخانه‌ها مواد اولیه‌شان گران می‌شود و قیمت‌شان دو برابر شده آیا می‌توانند قیمت‌های خود را دو برابر کنند؟ طبیعتا مشتری نخواهند داشت و زیان می‌کنند. بنابراین ما شاهد زیان بنگاه‌ها و ورشکستگی‌شان در آینده نزدیک خواهیم بود. به گفته «صالحی» این فشار بیشتر در بخش مواد غذایی و خوراک و معیشت مردم است و در صنعت هم وجود دارد، اما فشار در بخش معیشتی بیشتر است.

ردیف‌های غیرضروری از بودجه سال آینده حذف می‌شوند؟

۳ گام اصلاحات ساختاری بودجه



با هدف کاهش پراکندگی در مراکز هزینه‌ای در سه قوه تاکید کرده و الزام دستگاه‌ها به بهینه سازی تشکیلات با هدف حذف مشاغل مدیریتی غیرضروری را مطرح کرده است. رئیس سازمان برنامه و بودجه، گفته که دولت مدیون هیچ ردیفی در بودجه نیست و باید به مصالح ملی نگاه شود تا منابع محدود، صرف اقداماتی شود که گره از کار مردم باز کند یا منجر به توسعه گردد. دو محور اصلی اصلاحات، شامل حذف موازیکاری دستگاه‌ها و ردیف‌های بودجه‌ای متفاوت آنها و تکمیل فرآیند پرداخت به ذی‌نفع نهایی است که می‌تواند بهره‌وری ساختار بودجه را تحت تاثیر قرار دهد. به گفته کارشناسان، اگر ساختار بودجه ایران کارآمد، بهینه و مبتنی بر خروجی محصول و خدمت باشد و منابع تخصیص یافته به هدف اصلی رشد اقتصادی برخورد در معیشت مردم در سال ۱۴۰۵ از امسال بهتر خواهد بود. برای این منظور هر ردیف بودجه‌ای که اثربخشی توسعه‌ای در سطوح ملی و منطقه‌ای ندارد باید حذف شود و دولت صرفا به بخش‌های آموزش، بهداشت، دفاع ملی و تامین امنیت، توجه جدی کند.

تکیه بودجه بر منابع مالیاتی و غیرنفتی

گام دوم، بازطراحی منابع مالیاتی و غیرنفتی است. وابستگی بودجه ایران به درآمدهای نفتی همچنان بالای ۲۵ درصد باقی مانده و نفت حدود ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهد. صندوق بین المللی پول، برآورد کرده که ایران برای تراز بودجه در سال ۲۰۲۵ میلادی، نیاز به قیمت نفت بالای ۱۶۳ دلار در هر بشکه دارد که بالاترین نقطه سربه‌سر مالی در میان صادرکنندگان نفتی خاورمیانه است. درآمدهای نفتی ایران در سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ تنها حدود نیمی از مبلغ پیش‌بینی شده در بودجه ملی را پوشش داد که دولت را مجبور به کاهش هزینه‌ها برای کنترل کسری کرد. در این شرایط، بخشنامه بودجه ۱۴۰۵ بر توازن و انضباط در بودجه و درآمدهای مالیاتی، تاکید کرده و دولت متعهد شده با نظمدهی به مصارف بودجه و درج ارقام واقعی منابع و مصارف، سقف تعهدات خود را مدیریت و نازاری را کاهش دهد. به منظور افزایش سهم درآمدهای مالیاتی، دولت بر اخذ به موقع و سریع مالیات‌ها و حقوق دولت برای جلوگیری از کاهش ارزش واقعی آنها در اثر تورم، تاکید دارد و بازنگری در سازوکار اخذ درآمدهای گمرکی و بهینه‌سازی نظام‌مند فرآیند ترخیص کالا را در دستور کار قرار داده است. بهینه‌سازی فرآیندها و سامانه‌ها به منظور کاهش کم‌اظهاری در صادرات و تصحیح نرخ‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی از اقدامات مورد نظر برای افزایش درآمدهای مالیاتی است. اصلاحات جدید، شامل تعیین تکلیف ۴۳ مورد از احکام پرتکرار سالانه مانند نرخ حقوق گمرکی، معافیت‌های مالیاتی و سقف انتشار اوراق در قالب یک قانون دائمی است تا نمایندگان

فرصت امروز: بودجه ۱۴۰۵ در شرایطی از پاستور به بهارستان رسید و در نهایت به تصویب نمایندگان مجلس رسید که اقتصاد ایران با بحران‌های متعدد و ناترازی‌های مختلف، از جمله کسری ساختاری بودجه، وابستگی بالای درآمدی به نفت و رشد کنترل‌نشدهی هزینه‌های جاری مواجه است. کسری بودجه تحقق یافته دولت طبق گزارش دیوان محاسبات در سال ۱۴۰۱، معادل ۴۳۷ هزار میلیارد تومان بوده که این رقم در سال ۱۴۰۲ با افزایش ۳۶ درصدی به ۵۹۳ هزار میلیارد تومان رسیده و برآوردها از کسری ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی بودجه امسال حکایت دارد. در این شرایط، دولت با پیش‌بینی کاهش درآمدهای نفتی حدود ۷ دلار نسبت به سال جاری و احتمال افزایش محدودیت‌های تحریمی، ناگزیر از اعمال اصلاحات ساختاری چندلایه در بودجه ۱۴۰۵ است. تحلیل داده‌های بودجه‌ای، نشان می‌دهد که بدون تغییرات بنیادین در ساختار درآمدها و هزینه‌ها، دولت با خطر تشدید فشارهای تورمی و ناپایداری مالی، روبرو خواهد شد.

نگاهی ساده اما دقیق به بودجه ۱۴۰۵، نشان می‌دهد که اقتصاد ایران همچنان درگیر ترکیبی نگران‌کننده از تورم بالا و رشد اقتصادی پایین است؛ ترکیبی که مستقیماً بنیان فعالیت‌های اقتصادی را متزلزل می‌کند. در چنین فضای، یک فعال اقتصادی از همان ابتدای مسیر برنامه‌ریزی با ناطمینانی روبه‌روست و امکان ترسیم افق میان‌مدت و بلندمدت برای او دشوار می‌شود. اتکای بیشتر دولت به مالیات برای جبران کسری بودجه سال آینده، یک پیام روشن به فعالان اقتصادی می‌دهد؛ اینکه افزایش نرخ‌های مالیاتی، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، در نهایت به تولید فشار وارد می‌کند یا هزینه تولید بالا می‌رود یا قیمت مصرف‌کننده افزایش می‌یابد و در هر دو حالت، هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده منضر می‌شوند. این رویکرد، انتظار بنگاه‌ها از ثبات سیاستی را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری جدید را تضعیف می‌کند.

لزم کاهش هزینه‌های جاری دولت

گام نخست در مسیر اصلاحات ساختاری بودجه، کاهش هزینه‌های جاری دولت است. جمع هزینه‌های جاری دولت در قانون بودجه سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به ترتیب ۲۵۶۲ هزار میلیارد تومان و ۴۹۵۷ هزار میلیارد تومان بوده که رشد ۹۳٫۵ درصدی را نشان می‌دهد. این رشد نگران‌کننده در شرایطی رخ داده که نرخ تحقق بودجه جاری به حدود ۹۰ درصد می‌رسد، در حالی که تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تنها ۸۰ درصد تحقق یافته است. کاهش هزینه‌های جاری دولت فقط با اصلاح ساختاری تشکیلات دولت، کوچک‌سازی اندازه دولت و ارتقای بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی، میسر است. بخشنامه بودجه ۱۴۰۵ بر حذف ردیف‌های بودجه‌ای

اختلال اینترنت همچنان ادامه دارد

کسب‌وکارهای مجازی در تنگنا

این مسئله زمانی آزاددهنده‌تر می‌شود که الگوریتم نمایش صفحات آنلاین شاپ‌ها در فضای مجازی وابسته به استمرار فعالیت آنها در بستر این پیام رسان‌ها است؛ یعنی اگر یک آنلاین شاپ در چند سال اخیر تلاش کرده تا هم دنبال‌کنندگان خود را افزایش دهد، به دلیل چند روز عدم فعالیت به قعر جدول سقوط می‌کند و همه داشته‌هایش از دست می‌رود؛ مشکلی که ممکن است حتی چراغ آن کسب و کار را برای همیشه خاموش کند. در ایسن میان، فعال نبودن پیامک و پیام رسان‌های داخلی نیز بر پیچیدگی مشکلات این قشر افزوده است؛ زیرا هیچ راه ارتباطی با مشتریان خود ندارند. در همین زمینه، «رضا الفت نسب»، دبیر اتحادیه کسب و کارهای مجازی با اشاره به اینکه کسب و کارهای دیجیتال به طور مستقیم از قطعی اینترنت ضربه خورده‌اند، گفت: فعالیت کسب و کارهای اینترنتی با بازار سنتنی متفاوت بوده، یعنی با قطعی اینترنت، بازار کسب و کار ما تعطیل می‌شود.

او با بیان اینکه این بار با دفعه‌های قبل متفاوت است، یعنی با قطعی اینترنت مشکلات افزایش می‌یابد، خاطرنشان کرد: این بار بسیاری از مشتریان نمی‌توانند وارد سایت‌های کسب وکار اینترنتی شوند؛ زیرا باید یک پیامک تأیید یا (OPT) دریافت کنند که مسدود شده است به همین دلیل کسب وکارهای اینترنتی که قطعی این پیامک را دارند، کاربر اگر بخواند خرید کند، در اغلب مواقع نمی‌تواند.

«لفت نسب» با اشاره به اینکه به دلیل مسدودی اینترنت، فروش کالاها به شدت کاهش یافته، توضیح داد: تمامی بازارها چشم‌شان به فروش آخر سال است ولی با توجه به شرایط فعلی نمی‌توانیم امیدواری برای رونق بازار داشته باشیم و بدتر از آن اینکه نمی‌دانیم شرایط چه زمانی به حالت عادی باز می‌گردد.

قطع اینترنت که به دلیل شرایط امنیتی پیش آمده برای کشور رخ داده، برای دومین بار در سال جاری، کسب و کارهای مجازی را در شرایط نامطلوبی قرار داده و آنان را نسبت به آینده شغلی خود نگران کرده است. به گزارش «ایرنا»، اگر صنایع بزرگی چون فولاد و پتروشیمی و سیمان از ناترازی و قطع گاز احساس خطر کرده و اعلام می‌کنند که کسب و کار و سودآوری بنگاه‌های‌شان به مخاطره می‌افتد، اگر قطع برق در شهرک‌های صنعتی، حیات صنایع و کوچک و متوسط را تهدید می‌کند، برای اقتصاد دیجیتال که به اینترنت وابسته است، قطع اینترنت و اختلال ارتباطی، سمنی مهلک و کشنده است که می‌تواند آنها را از پای درآورد. اگر در هفته‌های گذشته، کاهش کیفیت اینترنت، محل انتقاد کاربران و کسب وکارها بود، اکنون با قطع بی‌سابقه اینترنت و اختلال خدمات ارتباطی، نفس فعالان عرصه اقتصاد دیجیتال ایران به شماره افتاده است؛ اقتصادی که می‌خواهد در سال‌های پیش رو، سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص دهد و از فرار مغزها و نخبگان جلوگیری کند.

در این روزها که دسترسی به پیامک و اینترنت بین الملل برای هیچ کاربری فراهم نیست و برخی سایت‌ها و سکوهای داخلی بر بستر اینترنت ملی فعال هستند، فعالان این عرصه می‌گویند که قطع اینترنت، آسیب ۱۰۰ درصدی به آنها زده است و از اینکه مشخص نیست چه زمانی اینترنت دوباره برقرار می‌شود، گلایه دارند. نداشتن دسترسی به سرورهای خارجی، ارسال نشدن پیامک OTP برای کاربران و در دسترس نبودن برخی سکوهای اینترنتی و سایت‌ها از اصلی ترین مشکلات کسب و کارهاست که کاربران را هم نگران کرده است. علاوه بر این، قطع پیام رسان‌های داخلی و خارجی نیز بر مشکلات کسب وکارهای خرد و فروشگاه‌های اینترنتی افزوده است، چون عملا فعالیت آنها متوقف است و

مدیریت انطباق سازمانی با هوش مصنوعی

نویسنده: علی آل علی

در کارگاه های استراتژیک شرکت های بزرگ، یک حقیقت مسلم و فراگیر وجود دارد، اینکه هوش مصنوعی دیگر یک گزینه روی میز نیست، بلکه خود میز است که قواعد بازی بر روی آن بازنویسی می شود. با این حال، یک شکاف عمیق و خطرناک میان این درک تئوریک و واقعیت عملیاتی سازمان ها در حال گسترش است. بسیاری از رهبران تجاری مسحور قدرت موتورهای تحلیلی و الگوریتم های پیشرفته شده اند، در حالی که شاسی، بدنه و سیستم انتقال قدرت کسب و کارشان برای مهار چنین نیرویی طراحی نشده است. آنها پیشرفته ترین موتورها را در اختیار دارند، اما آن را بر روی ارابه‌ای فرسوده سوار کرده اند. این ناهماهنگی بنیادین، که از آن به عنوان شکاف آمادگی یاد می شود، بزرگ‌ترین مانع در مسیر تحقق وعده های تحول آفرین فناوری‌های نوین و مهمترین چالش استراتژیک رهبران در افق پیش رو است.

باز تعریف سواد در سازمان نوین

نخستین و رایج ترین خطای شناختی در مواجهه با هوش مصنوعی، تقلیل دادن آن به یک ابزار فنی و محدود کردن دامنه آن به دپارتمان فناوری اطلاعات است. این رویکرد، معادل آن است که الکتریسیته را صرفا یک پروژه برای مهندسان برق بدانیم. آمادگی واقعی برای عصر هوشمندی، نه با خرید نرم‌افزار، که با سرمایه گذاری بر روی یک نوع جدید از سواد سازمانی آغاز می شود.

این سواد نوین به معنای آن نیست که تمام کارکنان باید به متخصصان داده تبدیل شوند، بلکه به این معناست که آنها باید زبان جدیدی برای همکاری با سیستم های هوشمند بیاموزند. این زبان شامل توانایی طرح سوالات درست از داده ها، درک محدودیت های الگوریتم ها، تفسیر خروجی های تحلیلی و ادغام بینش های ماشینی در فرآیندهای تصمیم‌گیری انسانی است. بدون این سواد پایه، قدرت‌مندترین ابزارهای تحلیلی نیز به ماشین های بخار بی مصرفی تبدیل می شوند که در سکوت موزه ها خاک می خورند.

مایکروسافت این فرآیند گذار فرهنگی را از درون تجربه و رهبری کرده است. این شرکت با درک اینکه بزرگ‌ترین مانع در برابر پذیرش هوش

مصنوعی، شکاف مهارتی و ذهنیتی است، برنامه‌های گسترده ای را برای بازآموزی نیروی کار خود در تمام سطوح به اجرا گذاشت. این تلاش ها فراتر از دوره های کدنویسی برای مهندسان بود و شامل آموزش تیم های فروش برای استفاده از تحلیل های پیش بینی کننده برای شناسایی مشتریان بالقوه، توانمندسازی بازاریاب ها برای شخصی سازی پیام ها با استفاده از بینش های داده محور و تجهیز مدیران برای اتخاذ تصمیمات استراتژیک براساس مدل های شبیه سازی می شد. مایکروسافت با تبدیل کردن تمام سازمان به یک آزمایشگاه یادگیری، فرهنگی را ایجاد کرد که در آن، هوش مصنوعی نه به عنوان یک تهدید برای جایگاه شغلی، بلکه به عنوان یک همکار هوشمند برای تقویت توانایی های انسانی دیده می شود.

تبدیل داده از دارایی به زیرساخت

هوش مصنوعی گرسنه داده است و کیفیت بینش های آن مستقیما به کیفیت سوختی که مصرف می کند، بستگی دارد. بسیاری از سازمان ها بر روی انبارهای عظیمی از داده نشسته اند، اما این داده ها اغلب در سیلوهای دپارتمانی مجزا، با فرمت های ناسازگار و بدون یک استراتژی یکپارچه برای مدیریت، انباشته شده اند. شکاف آمادگی در این حوزه، تفاوت میان داده داشتن و داده محور بودن است.

آمادگی واقعی نیازمند یک بازنگری بنیادین در معماری اطلاعات سازمان و حرکت به سمت ایجاد یک زیرساخت داده‌ای روان، یکپارچه و قابل دسترسی است. در این نگاه، داده دیگر یک محصول جانبی حاصل از عملیات نیست، بلکه خود یک زیرساخت استراتژیک است که همانند شبکه برق یا سیستم حمل و نقل، کل سازمان را توانمند می سازد. ایجاد این زیرساخت، یک پروژه بلندمدت و پیچیده است که مستلزم شکستن دیوارهای سنتی و ایجاد یک فرهنگ شفافیت و اشتراک‌گذاری اطلاعات است. نتفلیکس نمونه ای برجسته از سازمانی است که بر پایه یک زیرساخت داده‌ای قدرتمند بنا شده است. هر تعامل کاربر با این پلتفرم، از جست‌وجوی یک عنوان و تماشای یک تریلر گرفته تا مکث کردن در یک صحنه خاص، به عنوان یک سیگنال ارزشمند در یک سیستم یکپارچه ثبت و تحلیل می شود.

این زیرساخت به نتفلیکس اجازه می دهد تا تصمیماتی به شدت داده

محور در تمام سطوح اتخاذ کند. الگوریتم های پیشنهاد محتوای آن براساس همین داده ها شخصی سازی می شوند، تصمیمات میلیارد دلاری برای تولید محتوای جدید براساس تحلیل الگوهای تماشای مخاطبان گرفته می شود و حتی طراحی پوستر هر فیلم برای هر کاربر به صورت جداگانه بهینه سازی می شود تا نرخ کلیک را افزایش دهد. در اکوسیستم نتفلیکس، داده یک دارایی منفعل نیست، بلکه خون جاری در رگ های سازمان است که تمام تصمیمات حیاتی را تغذیه می کند.

تکامل رهبری در عصر الگوریتم

معرفی هوش مصنوعی به فرآیندهای تصمیم‌گیری ماهیت رهبری را به چالش می کشد. برای دهه ها تجربه، شهود و قضاوت شخصی ارزشمندترین دارایی های یک رهبر تجاری محسوب می شدند. در دنیای جدید، این ویژگی ها همچنان حیاتی هستند، اما دیگر کافی نیستند. رهبران آینده باید بیاموزند که چگونه شهود انسانی خود را با بینش های مبتنی بر داده ترکیب کنند. این به معنای پذیرش کورکورانه خروجی الگوریتم ها نیست، بلکه به معنای توسعه توانایی برای گفت‌وگوی انتقادی با آنها، درک مغفروضات پنهان در مدل ها و تشخیص موقعیت هایی است که داده ها ممکن است تصویر کاملی از واقعیت ارائه ندهند. این گذار نیازمند فروتنی فکری و شجاعت برای به چالش کشیدن باورهای قدیمی در برابر شواهد جدید است. شکاف آمادگی در سطح رهبری، اغلب بزرگ‌ترین مانع برای تحول واقعی است، زیرا مدیرانی که با منطق دنیای قدیم به موفقیت رسیده اند، به سختی قواعد جدید را می پذیرند.

گوگل از ابتدای شکل‌گیری خود، فرهنگی را پرورش داده که در آن تصمیم‌گیری داده محور بر سلسله مراتب ارجحیت دارد. در این شرکت، یک ایده خوب که توسط داده های متنق پشتیبانی شود، می تواند بر نظر یک مدیر ارشد غلبه کند. فرهنگ آزمایش و تکرار در تمام ابعاد سازمان نفوذ کرده و تصمیمات مهم، از تغییر رنگ یک دکمه در صفحه اصلی گرفته تا ورود به بازارهای جدید، از طریق آزمایش های کنترل شده و تحلیل دقیق نتایج اتخاذ می شود. رهبران در گوگل نه به عنوان تصمیم‌گیرندگان مطلق، بلکه به عنوان معماران فرآیندهای آزمایشی عمل می کنند که به بهترین ایده ها، فارغ از منشأ آنها، اجازه شکوفایی می دهد. این رویکرد،

مدیریت ریسک در بازار فارکس

مدیریت ریسک فراگیر، پیچیده و به شدت بوروکراتیک است که مانند یک اسکلت فولادی، کل سازمان را در بر گرفته است. هر معامله، پیش از اجرا، باید از فیلترهای متعدد مدل های آماری پیچیده، مانند ارزش در معرض ریسک و کمینه های نظارتی عبور کند.

این سیستم، به طور عمدانه احساسات، شهود و هیجانات فردی معامله گران را از فرایند تصمیم‌گیری حذف کرده و آن را با یک منطق آماری و مبتنی بر قانون جایگزین می کند. ستاره واقعی در گلدمن ساکس، نه یک انسان، که خود این معماری ریسک است. یک ماشین غول پیکر و بی احساس که وظیفه اش، نه دستیابی به سودهای خارق العاده در هر روز، که تضمین بقای شرکت برای یک قرن دیگر است.

معماری معامله گری، هنر پذیرش شکست

در روانشناسی معامله گری، بستن یک موقعیت زیانده، به مراتب دشوارتر از باز کردن آن است. این عمل، تنها یک ضرر مالی نیست، این یک ضربه مستقیم به ایگو و اعتراف به یک اشتباه در قضاوت است. ذهن انسان به طور طبیعی در برابر این اعتراف مقاومت کرده و به یک دام خطرناک پناه می برد، دام «امید». معامله‌گر امیدوار است که بازار برگردد و ضرر او را جبران کند، غافل از اینکه بازار هیچ تعهدی به امیدهای او ندارد. موفق ترین معامله گران، این نبرد روانی را با حذف کامل خود از معادله حل کرده اند.

آنها هنر خروج مکانیکی را به کمال رسانده اند. به تعیین یک حد ضرر از پیش مشخص شده، آنها تصمیم برای خروج را در زمانی می گیرند که ذهن‌شان آرام، منطقی و عاری از هیجان است. این حد ضرر، یک کلید قطع اضطراری است که توسط مهندس منطقی درون ما طراحی شده تا در زمان توفان احساسی آینده، به طور خودکار سیستم را خاموش کرده و از یک فاجعه جلوگیری کند. این پذیرش شکست های کوچک، تنها راه برای زنده ماندن و کسب پیروزی های بزرگ است.

دنیای سرمایه گذاری خطرپذیر، این هنر خروج را در مقیاس استراتژیک به نمایش می گذارد. یک شرکت مانند سکویا کپییتال، کار خود را با این فرض بنیادین آغاز می کند که اکثریت قریب به اتفاق سرمایه گذاری‌هایش با شکست کامل مواجه خواهند شد. مدل کسب و کار آنها، نه بر پایه پیش بینی دقیق برندگان، که بر پایه مدیریت بی رحمانه بازندگان بنا شده است. هر استارت آپی که سرمایه ای دریافت می کند، با مجموعه ای از اهداف و معیارهای عملکردی مشخص روبه‌رو است.

اگر یک شرکت نتواند در یک بازه زمانی معین به این اهداف دست یابد، سرمایه گذار به ندرت تسلیم امید می شود. آنها با قاطعیت، جریان

مدیریت کارمندان دور کار: راهنمایی برای مدیران منابع انسانی

ارتباطی مشخص، آخرین به روزرسانی ها را دریافت نمایند. این محیط دیجیتال شفاف، اطمینان حاصل می کند که همه اعضای تیم از وضعیت فعلی پروژه، اولویت ها و انتظارات کلیدی آگاه هستند و این آگاهی، مانع از اتلاف وقت و تلاش در مسیرهای نادرست می شود.

تمرکز بر نتایج، نه ساعات کار

انتقال تمرکز از حضور به خروجی سنگ بنای مدیریت موفق دور کاری است. در محیطی که کارکنان در مکان های مختلف پراکنده هستند، سنجه هایی مانند حضور در دفتر کار یا تعداد ساعات صرف شده پشت میز، دیگر معیارهای معتبری برای سنجش بهره وری نیستند.

در عوض سازمان ها باید بر تعریف و اندازه گیری نتایج قابل اندازه گیری تمرکز کنند. این نتایج باید به طور واضح تعریف شده، قابل دستیابی و در راستای اهداف استراتژیک کسب و کار باشند. این تغییر پارادایم، ضمن ارتقای بهره‌وری، به کارکنان اجازه می دهد تا انعطاف پذیری لازم برای مدیریت زندگی شخصی خود را داشته باشند، بدون آنکه احساس کنند از نظر بهره وری مورد سرزنش قرار می گیرند. یک نمونه عالی از این رویکرد در شرکت های حوزه فناوری دیده می شود. بسیاری از این شرکت ها مانند گوگل یا متا نتایج پروژه های توسعه نرم افزار را به عنوان معیار اصلی ارزیابی عملکرد در نظر می گیرند. معیارهایی مانند تعداد باگ های رفع شده، سرعت عرضه ویژگی های جدید به بازار یا نرخ پذیرش محصولات توسط کاربران، معیارهای واقعی موفقیت محسوب می شوند، نه ساعات صرف شده در جلسات یا زمان آنلاین بودن. این تمرکز بر دستاوردهای مشخص، به تیم های توسعه دهنده اجازه می دهد تا رویکردهای کاری متفاوتی را بسته به نیاز پروژه و ترجیحات فردی اتخاذ کنند و در نهایت، تمرکز بر تحویل ارزش به مشتری را در

الگوی جدیدی از رهبری را به نمایش می گذارد که در آن قدرت از جایگاه سازمانی به اعتبار تحلیلی منتقل می شود.

معماری اعتماد در جعبه سیاه

با افزایش قدرت و پیچیدگی سیستم های هوش مصنوعی، یک چالش جدید و غیرفنی پدیدار می شود، چالش اعتماد. بسیاری از الگوریتم های پیشرفته مانند جعبه های سیاه عمل می کنند که منطق درونی تصمیمات‌شان به راحتی قابل درک نیست. استقرار چنین سیستم هایی بدون ایجاد یک چارچوب محکم برای حاکمیت، شفافیت و اخلاق، می تواند به فرسایش اعتماد در میان کارکنان، مشتریان و جامعه منجر شود.

آمادگی برای آینده هوشمند، تنها به معنای آمادگی فنی نیست، بلکه مستلزم ایجاد یک «معماری اعتماد» است. این معماری شامل تدوین اصول اخلاقی روشن برای استفاده از داده ها، ایجاد سازوکارهایی برای پاسخگویی در قبال خطاهای الگوریتمی و تعهد به شفافیت در مورد نحوه استفاده از سیستم های هوشمند است. برندهایی که در ساختن این اعتماد پیشگام باشند، یک مزیت رقابتی پایدار و معنادار کسب خواهند کرد.

اپل رویکرد خود به هوش مصنوعی را به شکلی عمدانه بر پایه اصل حفظ حریم خصوصی و اعتماد کاربر بنا نهاده است. در حالی که بسیاری از رقبای بر روی جمع آوری حجم عظیمی از داده ها در فضای ابری برای تقویت الگوریتم های خود تمرکز کرده اند، اپل سرمایه‌گذاری سنگینی بر روی پردازش داده ها بر روی خود دستگاه انجام داده است. این انتخاب استراتژیک به این معناست که بسیاری از وظایف هوشمند، مانند تشخیص چهره یا شخصی‌سازی پیشنهادات، بدون ارسال داده های حساس کاربر به سرورهای خارجی انجام می شود. این رویکرد ممکن است در کوتاه مدت، توانایی های تحلیلی اپل را در مقایسه با رقبا محدود کند، اما در بلندمدت یک دارایی بسیار ارزشمند می سازد، اعتماد کاربران. اپل با این کار نشان می دهد که معماری اعتماد، بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی محصول و یک تمایز کلیدی در عصر هوشمندی است.

منابع:

https://hrexecutive.com/strategies-to-close-the-ai-۵/—readiness-gap/

دفتر وقایع، جعبه سیاه تصمیم‌گیری

ذهن انسان یک رایو غیرقابل اعتماد است. ما تمایل داریم موفقیت ها را به نبوغ خود و شکست ها را به بدشناسی یا عوامل خارجی نسبت دهیم. این سوگیری، بزرگ‌ترین مانع در مسیر یادگیری واقعی است. تنها راه برای غلبه بر این خورفربیی، ایجاد یک «جعبه سیاه» عینی از تمام تصمیمات است، یعنی یک دفتر وقایع نگاری دقیق. این دفتر، تنها فهرستی از سود و زیان نیست، این یک گزارش تحلیلی از وضعیت ذهنی و فرآیند فکری پشت هر معامله است. «چرا وارد این معامله شدم؟ آیا براساس سیستم من بود یا یک هیجان آنی؟ در آن لحظه چه احساسی داشتم، ترس، طمع یا اعتماد به نفس؟ آیا به تمام قوانین خروج خود پایبند ماندم؟» این فرآیند ثبت وقایع، معامله گری را از یک فعالیت تصادفی به یک فرآیند علمی تبدیل می کند. این به معامله گر اجازه می دهد تا میان «کیفیت تصمیم» و «نتیجه تصمیم» تمایز قائل شود. گاهی یک تصمیم عالی به دلیل نوسانات تصادفی به ضرر منجر می شود و گاهی یک تصمیم وحشتناک، به لطف شانس محض، سودآور است. تنها با بررسی الگوهای تصمیم‌گیری در طول زمان، می توان به شکلی معنادار رشد کرد.

صنعت هوانوردی، امن ترین شکل حمل و نقل در تاریخ بشر است، نه به این دلیل که خلبانان هرگز اشتباه نمی کنند، بلکه به این دلیل که این صنعت یک وسواس فرهنگی در مورد تحلیل هر اشتباه دارد. پس از هر حادثه، هر چند کوچک، «جعبه سیاه» هواپیما بازمیای شده و مکالمات کابین و داده های پرواز با دقتی بی رحمانه تحلیل می شوند. هدف از این فرآیند، هرگز پیدا کردن مقصر و مجازات کردن نیست، بلکه درک کامل زنجیره رویدادها و تصمیماتی است که به آن نتیجه منجر شده تا بتوان سیستم را برای جلوگیری از تکرار آن در آینده، بهبود بخشید. خطوط هوایی پیشرو مانند لوفت هانزا، این فرهنگ را در تمام سطوح عملیات خود نهادینه کرده اند. هر خلبانی تشویق می شود تا خطاهای خود یا دیگران را بدون ترس از مجازات گزارش کند، زیرا همه درک می کنند که هر خطا، یک داده ارزشمند برای امن تر کردن کل سیستم است. این تعهد به یادگیری سیستماتیک از گذشته، همان چیزی است که تفاوت میان یک آماتور و یک حرفه ای را مشخص می کند.

منابع:
https://investinglive.com/Education/forex-risk-step-process-to-successful-management-the-۳--trading-۲۰۲۵۱۲۲۴/

اولویت قرار می دهد.

فرهنگ بازخورد مداوم و توسعه مهارت

ارتباط موثر و بازخورد منظم، مانند هوا برای تیم های دور کار عمل می کند؛ بدون آن، بقا و رشد دشوار است. در محیط دور کاری، فرصت های کمی برای تعاملات خودانگیزخته و غیررسمی وجود دارد که معمولاً در محیط اداری سنتی رخ می دهد. بنابراین، ایجاد کانال های رسمی و اثربخش برای تبادل بازخورد، هدایت شغلی و توسعه مهارت ها، امری حیاتی است. این بازخوردها نباید صرفاً در قالب ارزیابی های سالانه خلاصه شوند، بلکه باید به صورت یک فرآیند مستمر و دوطرفه اجرا شوند. این امر نه تنها به شناسایی و رفع موانع بهره وری کمک می کند، بلکه باعث تقویت حس تعلق و سرمایه گذاری سازمان در رشد فردی کارکنان نیز می گردد. شرکت نرم‌افزاری اتلاسیان (Atlasian) با تأکید بر بازخورد مداوم، یک فرهنگ سازمانی قوی در میان کارکنان دور کار خود ایجاد کرده است. آنها جلسات منظم «یک به یک» میان مدیران و کارکنان را تشویق می کنند، که در آن، نه تنها در مورد پیشرفت وظایف، بلکه در مورد اهداف شغلی، چالش های احتمالی و نیازهای آموزشی بحث می شود. علاوه بر این، آنها ابزارهایی را برای بازخورد همتایان (Peer Feedback) فراهم کرده اند تا کارکنان بتوانند به طور مستقیم و سازنده به یکدیگر کمک کنند. این رویکرد چندوجهی به تضمین این موضوع کمک می کند که هیچ کس احساس انزو یا عدم حمایت در محیط دور کاری نداشته باشد و همیشه فرصتی برای یادگیری و رشد فراهم باشد.

منابع:
https://www.hrmorning.com/topic-hubs/guide-to-managing-remote-employees

